



از آفرینش هنر تا پژوهش هنر

دکتر محسن طیبی*

* دکترای پژوهش هنر، رئیس دانشکده هنر و معماری دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد

بیشتر در سطح کارشناسی و کارشناسی ارشد (و نه دکتری) دانش آموخته شده‌اند، لذا پژوهش‌های بنیادی هنر و فرهنگ با چالش اساسی کمبود پژوهشگر مواجه است. این امر مشکلات تحقیقاتی کاربردی را چند برابر می‌کند، زیرا وقتی پژوهش‌های بنیادی لازم و کافی صورت نگرفته باشد، به تبع اولی برای پژوهش‌های کاربردی، بنیانی وجود نخواهد داشت. حال با عنایت به این مقدمه، نگارنده پرسش‌هایی که نگارنده این سطور مطرح می‌کند و سعی دارد در پس این پرسشها به بررسی و احیاناً یافتن پاسخ آنها بپردازد.

پرسش نخست (طرح موضوع و ضرورت پرداختن به آن): آیا جامعه هنری در ایجاد، ترویج، ارتقا و اعتلای باورها و نگرش‌های پژوهندگی در سطح عمومی جامعه نقشی دارد یا خیر؟

به نظر می‌رسد که همه ما کم و بیش از یک سو در ضرورت انجام پژوهش به معنای عام و از سوی دیگر در نهادینه کردن آن در سطح جامعه، اتفاق نظر داریم؛ بنابراین نیازی به بحث در این باره نیست. آنچه باید مورد توجه قرار گیرد آن است که اگر بپذیریم بیان هر موضوعی در قالب‌های هنری، تأثیرات پدیدارتری خواهد داشت، آنگاه نقش جامعه هنری کشور در بیان ضرورت پژوهش و فراگیر کردن آن در لایه‌های مختلف اجتماع، انکارناپذیر خواهد بود. امروزه این موضوع که بیان‌های گوناگون هنری به‌ویژه بیان تصویری، در انتقال مفاهیم نقشی بسیار مهم دارند و در ارتباط برقرار کردن با مخاطب خاص و عام از متن و کلام مؤثرترند، امری اثبات شده است. پس بدون شك، جامعه هنری در ایجاد و توسعه فضای پژوهشگری در سطوح جامعه نقشی خطیر دارد.

پرسش دوم (آسیب‌شناسی موضوع): حال چنانچه قائل به نقشی برای جامعه هنری هستیم، این نقش تاکنون چگونه و به چه میزان ایفا شده است؟ تأثیر بسزایی که بیان هنری می‌تواند در نهادینه کردن پژوهش در جامعه داشته باشد، به دو دلیل مغفول مانده است. نخست اینکه تاکنون امر پژوهش در مقیاس کلان، مغفول بوده است. دوم اینکه تفاوت بین هنرمند و پژوهشگر هنر، بر بسیاری از مدیران علمی و اجرایی و مسئولان هنری نیز روشن و آشکار نیست.^۱

بنا بر دو دلیل ذکرشده، هنوز امر پژوهش نزد جامعه هنری کشور، جایگاه واقعی خود را نیافته است و در چنین شرایطی، نمی‌توان توقع داشت که جامعه هنری، پدیده‌ای را که هنوز خود درک درستی از آن ندارد، در سطح جامعه ترویج دهد و نهادینه کند.^۲

پرسش سوم (بررسی چشم‌اندازها): با توجه به وضعیت و بضاعت موجود، چه آینده‌ای در این امر، پیش روی جامعه هنری است؟

می‌دانیم که در مراحل مختلف فرآیند توسعه، انباشت یکی از مهم‌ترین مراحل است. به برکت دانشگاه‌ها و دانشکده‌های خرد و کلان هنری (که البته روز به روز در تزايد هستند) مشکل کارشناس و کارشناس ارشد و احتمالاً دکترای هنر،

بدون شك، پژوهش امری است ضروری و پسندیده که از نظر عقلی، علمی و نیز مذهبی به آن تاکید بسیار شده است. خوشبختانه در سال‌های اخیر، آمار پژوهش و تولید علم در کشور ما در قیاس با دیگر کشورهای منطقه، رشد چشمگیری داشته و توجه به پژوهش (دست‌کم در هفته پژوهش) نزد بیشتر مسئولان نهادهای دولتی و غیردولتی، فراگیر شده است.

همچنین خوشبختانه توجه به امر پژوهش نظری و تحقیقات هنری، از سوی مسئولان مملکتی در برگزاری جشن‌هایی همچون همایش چهره‌های ماندگار، جشنواره خوارزمی (که اولین جایزه آن در گروه هنر در سال ۱۳۸۳ اهدا شد)، جشنواره فارابی و ... نمود یافته است. این مقاله بر آن است تا به بررسی جایگاه پژوهش در جامعه هنری و نقش آن در نهادینه کردن فرهنگ پژوهشگری در سطح عمومی جامعه بپردازد.

اما پیش از طرح سؤالات اساسی در این باب، باید به چند نکته بسیار مهم اشاره نمود. نخست اینکه در این مقاله پیش رو منظور از جامعه هنری، مجموعه‌ای از هنرمندان، پژوهشگران و مسئولان هنری کشور است. ذکر این موضوع ضروری است که پژوهش هنری، به‌تازگی از آفرینش هنری متمایز شده و متأسفانه هنوز حتی نزد مسئولان دانشگاهی و مملکتی، تصویر روشنی نیافته است. به بیان ساده‌تر، در دیدگاه عام، تفاوت بین آفرینش و پژوهش هنر روشن نیست؛ در حالی که نباید از هنرمند (Artist)، توقع پژوهش (به معنای دانشگاهی) داشت؛ یا از پژوهشگر هنری (Art Researcher)، خلق آثار هنری را انتظار داشت.

چنان‌که گفته شد، در کشور ما پژوهش در مباحث هنری، بسیار نوظاست و نمی‌توان توقع داشت، با چشم‌برهم‌زدنی تمام چالش‌های بنیادی و کاربردی موجود مرتفع شود. مسلماً این امر، ملزومات نرم‌افزاری و سخت‌افزاری خاص خود را می‌طلبد که در ادامه مقاله به آنها پرداخته خواهد شد.

نکته دوم آن است که در بحث درباره پژوهش‌های هنری، باید به تفاوت‌های ماهوی موجود بین این‌گونه از تحقیقات، با پژوهش در حوزه‌های فنی مهندسی، علوم پایه و ... توجه داشت. دانش نظری و بنیادی در حوزه‌هایی به جز هنر، عمدتاً وارداتی است و می‌توان از طریق اجرای پژوهش‌های کاربردی (بر پایه همان دانش وارداتی) به بخشی از نیازهای کشور پاسخ گفت. به بیان دیگر، در اغلب حوزه‌ها نتیجه تحقیقات خیلی زود به چشم می‌آید و به بار می‌نشیند؛ در حالی که در حوزه هنر، هنوز بسیاری از مسائل خرد و کلان بنیادی حل نشده‌اند.

چنان‌که واضح است، تحقیقات بنیادی، پژوهندگان صاحب صلاحیت را می‌طلبد؛ درست برخلاف تحقیقات کاربردی که کارشناسان و کارشناسان ارشد نیز توان اجرای آنها را دارند. بنابراین از آنجا که دانش‌آموختگان هنر در ایران، در قیاس با دیگر رشته‌ها بسیار کم‌شمار هستند و از سوی دیگر،

دکتر این موضوع ضروری است که پژوهش هنری، به‌تازگی از آفرینش هنری متمایز شده و متأسفانه هنوز حتی نزد مسئولان دانشگاهی و مملکتی، تصویر روشنی نیافته است. به بیان ساده‌تر، در دیدگاه عام، تفاوت بین آفرینش و پژوهش هنر روشن نیست؛

داد. از سوی دیگر، برای افزایش خودباوری باید توجه داشت که دانش‌ها و فنون دیگر نیز یک‌شبه و با یک چشم‌برهم‌زدن نتوانسته‌اند در امر پژوهش پیشرفت کنند و آنها نیز ناگزیر از طی زمان بوده‌اند. به هر حال چه بخواهیم و چه نخواهیم، جامعه هنری باید:

- ابتدا تعریف روشن و شفاف‌ی را از پژوهش هنری تبیین نماید.^۴

- سپس ضرورت انجام پژوهش برای جامعه هنری را مشخص کند.^۵

- و در نهایت با سعی و تلاشی دوچندان، (طی فرآیندی که اشاره شد) پژوهش را در میان خود نهادینه کند.

تا این مراحل طی نشود و پژوهش در جامعه هنری به یک فرهنگ تبدیل نشود، نمی‌توان توقع داشت که جامعه هنری کشور در نهادینه کردن پدیده‌ای که برای خودش نهادینه نیست، تلاش نماید. می‌توان به جرأت ادعا کرد که بخش عمده‌ای از تلاش‌های صورت‌گرفته نیز بر اساس اصول علمی نبوده و ریشه در شعارزدگی و آمارگرایی مدیران هنری کشور دارد و یا اینکه با هدف تبلیغ انجام شده است.

باید همه اعضای جامعه هنری، اعم از هنرمند، پژوهشگر هنر، مسئول و مدیر هنری و حتی مخاطبان جامعه هنری و ... کمر همت بسته و با تلاش روزافزون، بر چالش موجود چیره شوند. تنها و تنها در این صورت است که می‌توان به تأثیرگذاری جامعه هنری در نهادینه کردن واقعی (و نه شعاری) فرهنگ پژوهندگی در سطح عمومی جامعه نیز امید بست.

یادداشت‌ها

۱. البته ممکن است هنرمندانی باشند که کار پژوهشی، مطابق با ضوابط و اصول علمی دانشگاهی نیز انجام دهند ولی مسلماً تعداد آنها واقعاً کم‌شمار است.

۲. البته نباید از برخی تلاش‌های سال‌های اخیر به‌سادگی گذشت؛ تلاش‌هایی هدفمند و البته صرفاً مؤثر در ترویج پژوهش هنری نزد جامعه هنری، نه در سطح عامه جامعه.

۳. مشارکت دادن واقعی هنرمندان و پژوهندگان هنر در تدوین ضوابط و برنامه‌های مربوط به خودشان، از برگزاری جشن و مراسم تقدیر و ... بسیار مؤثرتر است؛ هر چند که برگزاری جشن‌ها ماهیت ترویجی نیز دارند.

۴. البته بسیاری از هنرمندان، خلق آثار هنری را نیز یک فعالیت پژوهشی به شمار می‌آورند که خود محل بحث است.

۵. بخش قابل توجهی از جامعه هنری کشور را هنرمندان تشکیل می‌دهند. هنرمندان، اساساً دو گروه هستند.

یکی آنان که به آفرینش آثار هنری شکوهمند مشغول هستند و هنر ایشان از شأن‌الایی برخوردار است؛ و گروه دیگر که در کار تولید محصولات هنری هستند. بنابراین ضرورت پژوهش در هنر باید برای هر دو گروه مشخص شود.

به‌زودی مرتفع خواهد شد. با رفع چالش اساسی کمبود پژوهشگر، می‌توان به روزهای بهتری برای پژوهش‌های هنری امید بست.

پرسش چهارم (بررسی فرآیند): اساساً بهترین حالت ممکن در امر ایجاد و توسعه باورها و انگیزه‌های پژوهشی در سطح جامعه توسط جامعه هنری چیست و چگونه حاصل می‌شود؟ اگر توان تحقیقاتی موجود و آتی کشور در حوزه هنر به‌درستی سنجیده شود و سطح توقعات پژوهشی از آن به‌درستی تعریف و با برنامه‌ریزی به کار گرفته شود، می‌توان انتظار داشت که در گام نخست (که البته ممکن است سال‌ها به طول انجامد)، چالش‌های بنیادی و نظری هنر، مورد بحث و بررسی قرار گیرد. همزمان با آن یا منطقی‌تر پس از آن، تحقیقات کاربردی نیز برای حل مسائل و مشکلات هنری جامعه انجام خواهد شد. در همین فرآیند می‌توان به موازات دیگر پژوهش‌ها، به ترویج پژوهشگری در جامعه نیز توجه نمود. برای رسیدن به این هدف، بخش‌های مختلف جامعه هنری وظایف و مسئولیت‌هایی بر عهده دارند.

الف. وظایف و مسئولیت‌های مدیران و مسئولان هنری

- جدی گرفتن جایگاه هنر به‌طور عام و پژوهش هنر به صورت خاص؛ و اختصاص سهم مناسب از اعتبارات عمومی و پژوهشی به این بخش.

- تأمین رفاه مادی هنرمندان و پژوهشگران هنر.

- تضمین امنیت اندیشه در حوزه هنر.

- تشویق و حمایت‌های معنوی در حوزه هنر.^۶

- فراهم آوردن زیرساخت‌های اطلاعاتی و رسانه‌ای برای گسترش ارتباط با دیگر کشورها.

- فراهم آوردن امکان عرضه محصولات جامعه هنری در سطوح ملی و بین‌المللی.

- عنایت لازم و کافی به امر آموزش و پژوهش (رسمی و غیررسمی) هنر.

- پرهیز از پدیده هنر سفارشی یا هنر فرمایشی و هنر شعاری تبلیغی.

ب. وظایف هنرمندان و پژوهندگان هنر

- تلاش بیشتر برای در دست گرفتن امور صنفی و حرفه‌ای، از طریق تشکیل مجامع صنفی.

- تلاش بیشتر برای بروز کردن اطلاعات و دانش هنری.

- مشارکت در تصمیم‌گیری و تدوین طرح‌ها و برنامه‌های کوتاه‌مدت و درازمدت با اهداف کمی و کیفی مشخص.

- تلاش بیشتر چه در حوزه پژوهش و چه در حیطه خلق آثار هنری.

به این ترتیب با آگاهی جامعه هنری از وظایف خود و پایبندی به انجام آنها و با به‌کارگیری تمامی تمهیدات لازم، می‌توان به حد مطلوبی از پژوهش دست یافت.

اگرچه ترسیم فرآیند فراگیر کردن پژوهش در جامعه هنری، شاید ناخواسته تصویری ناخوشایند باشد، اما می‌توان با تلاش مضاعف در این فرآیند، زمان را تا حد قابل توجهی کاهش

